



# توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های اشکانی شهرتیه درگز

حسن نامی<sup>I</sup>

سید مهدی موسوی‌نیا<sup>II</sup>

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۸۹-۱۶۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰  
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.17.167

## چکیده

سفال فراوان‌ترین و یکی از مهم‌ترین داده‌های باستان‌شناسی در فهم مشخصات فرهنگی ادوار تاریخی است. سفال اشکانی در تمامی قلمرو این امپراتوری یکسان نبوده و می‌توان آن را به چند منطقه جغرافیایی-فرهنگی متمایز تقسیم نمود. یکی از این مناطق جغرافیایی شمال شرق ایران است. محوطه شهرتیه به واسطه دو فصل کاوش باستان‌شناسی یکی از محدود محوطه‌های کاوش‌شده اشکانی در شمال شرق ایران است. یکی از داده‌های باستان‌شناسی این محوطه، ظروف و قطعات سفال دوره اشکانی است. گونه‌شناسی قطعات سفال شهرتیه به منظور دستیابی به الگوی سفال اشکانی در شمال شرق ایران مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر است؛ لذا در تحقیق حاضر، تلاش می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی، قطعه سفال‌های اشکانی شهرتیه از نظر فرم‌شناسی ارزیابی گردد و با مقایسه این قطعات سفال با نمونه‌های مشابه، الگویی از مشخصات سفال اشکانی در شمال شرق ایران پیشنهاد گردد. بررسی گونه‌شناسی و مطالعات تطبیقی قطعات سفال شهرتیه نشان می‌دهد، کوزه، خمره، تنگ، دیگ، دیگچه، آبریز، کاسه و پیاله درکنار ظرف معروف به میثاق، فرم‌های سفالی یافت‌شده از دو فصل کاوش باستان‌شناسی شهرتیه است. این گونه‌های سفالی که از اوایل تا سده‌های متأخر اشکانی را دربر می‌گیرند، با قطعه سفال‌های مرو، نسا، قومس، چارسدا، شمشیرغار، آی خانم، حسنی محله، تل اسپید، تپه یحیی، گورستان بردسیر، گوری کهنه، نادعلی، جنوب بلوچستان، خورمه، گورستان سنگ شیر همدان، قلعه اژدها کو بیستون قابل مقایسه است. به علاوه، کشف جوش کوره در دومین فصل کاوش محوطه نشان می‌دهد شهرتیه یکی از مراکز تولید سفال در دوره اشکانی در شمال شرق ایران بوده است. نبود گونه‌های لعاب‌دار، کمبود گونه‌های منقوش و فراوانی گونه‌های ساده، وجه بارز سفال‌های شهرتیه است. گونه‌های سفالی که اغلب کاربری روزمره داشته و با استناد به مطالعات تطبیقی، بخشی از خانواده سفال اشکانی در شمال شرق ایران بوده است.

**کلیدواژگان:** شمال شرق ایران، درگز، شهرتیه، سفال دوره اشکانی.

I. استادیار گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.  
II. استادیار گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول).  
m.mousavinia@neyshabur.ac.ir

## مقدمه

«شهرتپه» در مجاور شهر چاپشلو در شهرستان درگز، در شمال شرق ایران واقع شده است. این محوطه از چند منظر در مطالعات باستان‌شناسی دوره اشکانی حائز اهمیت است؛ (۱) شهرتپه با حدود ۷۰ هکتار وسعت، یکی از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی در شمال شرق ایران است. (۲) این محوطه به خط مستقیم در فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری نخستین تخته‌گاه اشکانیان، نسا واقع شده است. (۳) داده‌های باستان‌شناسی محوطه، مشتمل بر باروی سراسری، شاه‌نشین، شارستان، منطقه صنعتی و مواد فرهنگی یافت‌شده از کاوش‌های محوطه، از جمله آجرهای منقوش قابل مقایسه با نسا، نشان می‌دهند شهرتپه در دوره اشکانی احتمالاً یک شهر بوده است. (۴) براساس مواد فرهنگی محوطه، شهرتپه محوطه‌ای تک‌دوره‌ای و مربوط به دوره اشکانی در شمال شرق ایران است. این موارد نشان می‌دهد این محوطه، از محوطه‌های مهم دوره اشکانی در شمال شرق ایران است. با عنایت به اهمیت باستان‌شناسی شهرتپه، در نوشتار حاضر تلاش می‌شود شاخصه‌های سفالی این محوطه ارزیابی و الگوی ساخت سفال دوره اشکانی در شمال شرق ایران پیشنهاد گردد. در این راستا، در ابتدا قطعه سفال‌های محوطه از منظر فرم‌شناسی مطالعه گردیده و در ادامه از بین این قطعات سفال ۸۹ قطعه سفال شاخص و ظروف سالم سفالی محوطه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است. تلاش گردیده است قطعات سفال شاخص به نحوی انتخاب شوند که نماینده تمام فرم‌های سفالی تاکنون یافت‌شده از محوطه باشند. در ادامه، فرم‌های شاخص به دو گروه کلی سفال‌های دهانه‌بسته و سفال‌های دهانه‌باز تقسیم گردیده و در ذیل این عنوان، گونه‌های مختلف فرم‌های سفالی تشریح و مقایسه شده است. در نهایت تلاش شده است در مبحثی جداگانه، از توصیف گونه‌های سفالی به تشریح شاخصه‌های سفال اشکانی پرداخته شود تا از این طریق بتوان پیشنهادی راجع به الگوی سفال دوره اشکانی در شمال شرق ایران ارائه داد.

**پرسش‌ها و فرضیات:** مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر عبارتند از: (۱) سفال‌های یافت‌شده از دو فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه شهرتپه به چه دوره‌ای تعلق دارند؟ (۲) مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشخصات گونه‌های سفالی محوطه شهرتپه چیست؟ (۳) آیا می‌توان با استناد به مطالعات سفال، شواهدی از روابط تجاری-فرهنگی شمال شرق ایران با دیگر حوزه‌های فرهنگی هم‌زمان یافت؟ در راستای پرسش‌های تحقیق فرضیات پیش‌رو مطرح می‌شود؛ (۱) با استناد به یافته‌های باستان‌شناسی و بررسی مقایسه‌ای، تمامی سفال‌های مورد مطالعه مربوط به شاهنشاهی اشکانی است. (۲) سفال‌های مورد مطالعه که برخی از گونه‌های آن‌ها در شهرتپه تولید می‌شدند اغلب ساده، بدون لعاب و بدون نقش هستند و با سفال‌های شمال شرق، شرق، جنوب شرق، مرکز و غرب فلات ایران قابل مقایسه هستند. مهم‌ترین فرم‌های این گونه‌های سفالی شامل: کوزه، خمره، تنگ، دیگ، دیگچه، آبریز، کاسه، پیاله و ظرف معروف به میثاق هستند. (۳) وجود گونه سفالی داغ‌دار در میان سفال‌های شهرتپه که مشخصه سفال اشکانی در جنوب شرق ایران است، نشان می‌دهد احتمالاً در این زمان بین سیستان و شمال شرق ایران ارتباطات تجاری-فرهنگی برقرار بوده است.

**روش پژوهش:** در تحقیق پیش‌رو در وهله اول، گروه‌های سفالی شهرتپه به دو گروه کلی سفال‌های دهانه‌بسته و سفال‌های دهانه‌باز تقسیم شده است و در ادامه، این قطعات سفال به گروه‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند. با در نظر گرفتن بافتار گونه‌های سفالی دوره تاریخی ایران، گروه‌های سفالی دهانه‌بسته به دسته‌های جزئی‌تری مانند: کوزه، خمره، تنگ، دیگ، آبریز و قطعات کف؛ و گروه‌های سفالی دهانه‌باز به دسته‌های جزئی‌تر کاسه و پیاله تقسیم شده است. ظرف معروف به میثاق در بافتار سفال‌های دوره تاریخی ایران به صورت مستقل در ذیل سفال‌های دهانه‌بسته مطالعه شده است. پس از تفکیک این گونه‌های سفالی، در ادامه تلاش شده است

مشخصات فنی قطعات سفالی تشریح گردد تا به‌نحو بهتری بتوان به مطالعات مقایسه‌ای آن دست‌زد؛ نهایتاً تلاش می‌شود با تبیین این گونه‌های سفالی، گمانه‌هایی راجع به الگوی سفال‌اشکانی در شمال شرق ایران ارائه داد.

### پیشینه مطالعات

قریب به چهل سال از تحقیق «هرینک» راجع به سفال‌اشکانی می‌گذرد. از آن‌زمان تاکنون محوطه‌های اشکانی فراوانی کاوش شده است که انتشار داده‌های آن‌ها، دانش ما را نسبت به شاخصه‌های سفال‌اشکانی قالب‌مندتر کرده است؛ با این حال، به دلیل کمبود کاوش‌های باستان‌شناسی در شمال شرق ایران، اطلاعات محدودی راجع به سفال‌های اشکانی این حوزه جغرافیایی در دست نیست. هرینک در مبحث سفال‌های اشکانی در شمال شرق ایران، تنها به معرفی قطعه سفال‌های یافت‌شده از کاوش‌های قومس، تُرنگ‌تپه، یاریم‌تپه و ناریشان، پرداخته است (Haerincq, 1983)؛ لذا پژوهش هرینک، با وجود جامعیت نسبی تحقیقی، درک جامعی از سفال‌اشکانی در حوزه خراسان به دست نمی‌دهد. اگر حوزه جغرافیایی خراسان بزرگ را، آن‌گونه که بایسته است، فراتر از مرزهای جغرافیایی امروزی قرار دهیم می‌توان تک‌نگاره‌هایی که راجع به دوره اشکانی و فرهنگ سفال آن در نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008)، مرو (Usmanova, 1963) و 1992 (Usmanova)، آی خانم (Bernard, 1967) و شمشیرغار (Dupree, 1958) انجام گرفته است را بخشی از پیشینه مطالعاتی سفال‌اشکانی در شمال شرق ایران فرهنگی محسوب نمود. در مرزهای جغرافیایی فعلی، «کایم» در ضمن معرفی محوطه‌های اشکانی سرخس، برخی گونه‌های سفالی اشکانی این منطقه را معرفی کرده است (Kaim, 2008). «محمدصادق داوری»، «فاطمه موسیوند» و «حسن باصفا» نیز با بررسی سطحی محوطه تک‌دوره‌ای اسماعیل‌آباد در مشهد، تلاش کرده‌اند گمانه‌هایی راجع به شاخصه‌های سفال اوایل دوره اشکانی در حوضه کشف‌رود ارائه دهند (داوری و همکاران، ۱۳۹۷).

در حوزه جغرافیایی محدودتر خراسان بزرگ، در شهرستان درگز که موضوع تحقیق حاضر است، گزارش‌ها و تک‌نگاره‌هایی از محوطه‌های اشکانی و گونه‌های سفالی آن‌ها در دست است. به جز اشارات پراکنده «ناپیر» و «کازی» (Napier & Kazi, 1876: 62-63)، «راولینسون» (Rawlinson, 1879: 113-149) و «فرانکفورت» (Frankfort, 1927: 83-84)، بررسی «عزت‌الله نگهبان» در درگز در سال ۱۳۴۵ ه.ش.، را می‌توان اولین فصل مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه تلقی نمود. نگهبان در این بررسی، برخی از محوطه‌های تاریخی درگز را معرفی و تلاش کرده است گمانه‌هایی راجع به ارتباط فرهنگی درگز با فرهنگ‌های ترکمنستان بالأخص در پیش‌ازتاریخ ارائه دهد (کوثری و سرفراز، ۱۳۴۵؛ لباف‌خانیک، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۳). دیگر مطالعات باستان‌شناسی درگز، بازدید و بررسی «فیلیپ کوهل» و «دنیس هیسکل» از درگز در شهریور و آبان ۱۳۵۷ ه.ش.، است. آن‌ها در این بررسی به توصیف مختصر برخی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی، تاریخی و اسلامی درگز پرداختند (Kohl & Hesel, 1980: 160-172). «محمود بختیاری‌شهری» نیز در سال ۱۳۷۵ ه.ش.، شهرستان درگز را بررسی کرد و برخی از محوطه‌های اشکانی این شهرستان را برای اولین بار معرفی نمود (بختیاری‌شهری، ۱۳۷۵). «علی حسن‌آبادی» نیز در سال ۱۳۸۸ ه.ش.، شهرتپه، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های اشکانی شمال شرق ایران را گمانه‌زنی کرد که گزارشی از آن در دست نیست. «مهدی فلاح‌مهنه» نیز در رساله دکتری خود، به بررسی محوطه‌های اشکانی درگز پرداخته است (فلاح‌مهنه، ۱۳۹۴). درنهایت، حسن نامی در سال ۱۳۹۵ ه.ش.، در راستای رساله دکتری خود، به بازنگری گمانه‌زنی پیشین در شهرتپه پرداخت (نامی و همکاران، ۱۳۹۶) و هم‌زمان با هدف آگاهی از کیفیت حضور اشکانیان در درگز، این شهرستان را بررسی نمود (نامی، ۱۳۹۵).

### کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرتپه چاپشلو

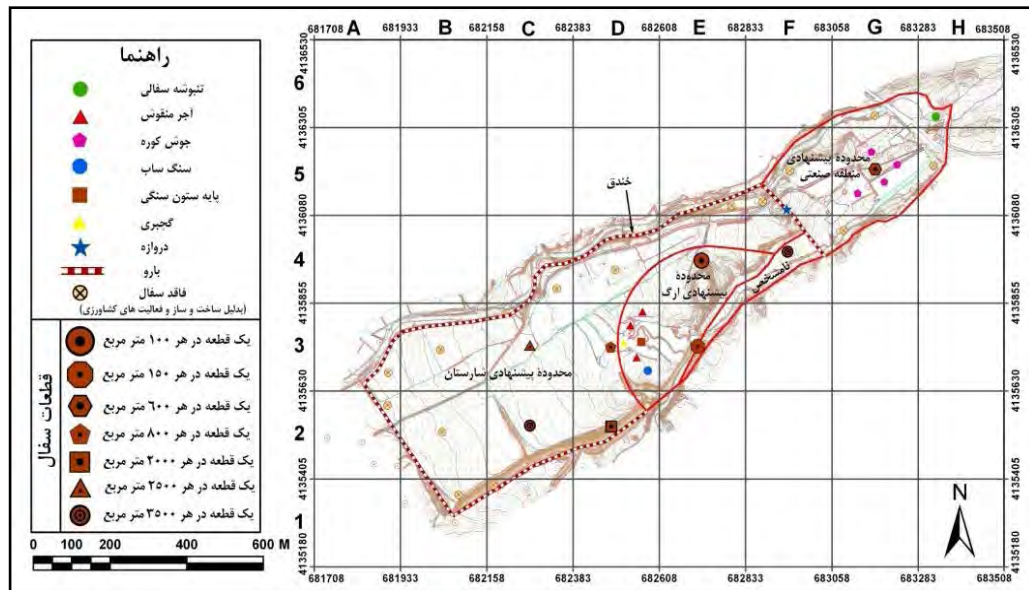
محوطه شهرتپه با حدود ۷۰ هکتار وسعت، از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی شمال شرق ایران است که در شمال غربی شهر چاپشلو در شهرستان درگز واقع شده است. این محوطه به شکل طولی در دشت درگز قرار گرفته و از شمال به غرب بر عرض آن افزوده می‌شود. شهرتپه در جهت شرقی-غربی بین ۱۱۶۹ تا ۱۲۱۹ متر طول و در جهت شمالی-جنوبی بین ۱۹۷ تا ۴۷۵ متر عرض دارد. این محوطه توسط یک باروی سراسری خشتی محصور شده است. در جنوب حصار محوطه، آثار بیرون آمدگی‌هایی دیده می‌شود که احتمالاً بقایای برج‌های حصار محوطه است. در درون حصار محوطه، در حدفاصل حصار جنوبی و مرکز محوطه، بقایای یک تپه به طول ۴۰، عرض ۲۳ متر و ارتفاع ۶/۴۵ متر دیده می‌شود. این تپه، تنها تپه واقع در فضای درون محوطه است. در نیمه شرقی محوطه، در جایی که راه خاکی جدید از شهر چاپشلو به سمت محوطه می‌گذرد، در مجاور گورستان معاصر، بقایای احتمالی یک دروازه ورودی دیده می‌شود. در حاشیه شمالی و جنوبی محوطه، دو آبراهه فصلی دیده می‌شود که در طول شمالی و جنوبی محوطه امتداد دارند. این آبراهه‌ها که از کوه الله اکبر در فاصله ۱۰ کیلومتری غرب محوطه سرچشمه می‌گیرند، احتمالاً منبع تغذیه خندق‌های پیرامون محوطه هستند. این آبراهه‌ها پس از پوشش کل حصار شمالی و جنوبی محوطه، در شرق شهرتپه دوباره به یکدیگر می‌پیوندند (تصویر ۱).



تصویر ۱. دورنمای بارو و تپه مرکزی محوطه شهرتپه (نگارنگان، ۱۳۹۵).

محوطه شهرتپه، یک محوطه تک دوره‌ای از دوره اشکانی است و دارای یک لایه برجای فرهنگی است. تا به امروز دو فصل کاوش باستان‌شناسی در این محوطه انجام گرفته است؛ در اولین فصل کاوش باستان‌شناسی در تابستان ۱۳۸۸ ه.ش.، علی حسن‌آبادی با هدف تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه، ۲۹ گمانه آزمایشی در شهرتپه حفر کرد. در نتیجه، بقایای آثار معماری، ظرف‌های سالم سفالی، آجرهای منقوش و قطعات سفالی از دوره اشکانی شناسایی گردید. در دومین فصل کاوش محوطه در تابستان ۱۳۹۵ ه.ش.، حسن نامی با روش لایه‌نگاری به بازنگری در عرصه و حریم محوطه پرداخت. در فصل اخیر، ۳۸ گمانه آزمایشی به ابعاد ۲×۲ متر در شهرتپه حفر گردید که منجر به شناسایی شاه‌نشین، شارستان، منطقه صنعتی، آجرهای منقوش و ۵۵۶ قطعه سفال دوره اشکانی گردید (تصویر ۲). قطعات و ظروف سفالی شناسایی شده از دو فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه، مبنای نوشته پیش‌رو است.





تصویر ۲. موقعیت و الگوی پراکندگی قطعات سفال و دیگر یافته‌های بررسی سطحی و کاوش محوطه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

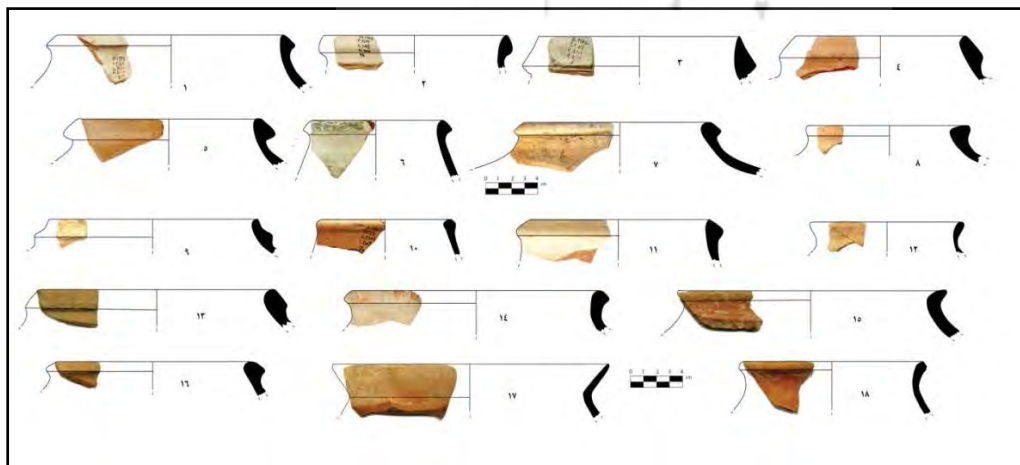
### مشخصات کلی سفال‌های مورد مطالعه

از مجموع ۵۵۶ قطعه سفال‌های یافت‌شده از دو فصل کاوش در شهرتپه، ۸۹ قطعه و ظرف سفالی به‌عنوان سفال‌های شاخص انتخاب گردید که مبنای نوشتار پیش‌رو است. عموم قطعه سفال‌های محوطه قطعات سفال ساده بدنه بودند؛ لذا مبنای انتخاب این قطعات سفال، تنوع فرم این گونه‌های سفالی است. تلاش گردید گونه‌های سفالی نماینده تمامی فرم‌های سفالی یافت‌شده از بررسی و کاوش محوطه باشد. این قطعات سفال در وهله اول به دو دسته سفال‌های دهانه‌بسته و سفال‌های دهانه‌باز تقسیم می‌شود؛ سفال‌های دهانه‌بسته شهرتپه شامل: کوزه‌های گردن‌دار و بدون گردن، خمره‌ها، تنگ‌ها، دیگ‌ها، آبریزها، یک ظرف معروف به میثاق و کف‌های سفالی است. سفال‌های دهانه‌باز نیز شامل کاسه‌ها و پیاله‌ها است. بدون در نظر گرفتن گونه‌های سفالی، این قطعات سفال دارای یک سری مشخصات کلی هستند. قطعه سفال‌های مورد مطالعه شهرتپه، همگی ساده هستند. لازم به ذکر است، تاکنون هیچ قطعه سفال لعاب‌داری از کاوش‌های شهرتپه یافت نشده است. بر روی برخی از این قطعات سفال محوطه، تزئین‌هایی به صورت داغ‌دار، کنده و افزوده دیده می‌شود. قطعه سفال‌های مورد مطالعه شهرتپه عموماً دارای ضخامت متوسط هستند؛ با این حال، در بین آن‌ها قطعه سفال‌هایی با ضخامت ظریف و خشن نیز دیده می‌شود. خمیره این قطعات سفال به رنگ: نخودی، آجری، نارنجی روشن، نارنجی، قرمز و خاکستری است. پوشش سفال‌های شاخص شهرتپه نیز به رنگ: نخودی روشن، نخودی، نخودی تیره، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به نارنجی، نخودی مایل به قرمز، آجری مایل به نخودی، نارنجی مایل به نخودی، نارنجی روشن، نارنجی پررنگ، نارنجی مایل به قرمز، قرمز مایل به سبز، قهوه‌ای مایل به نخودی، خاکستری و خاکستری مایل به سبز است. تمامی سفال‌های شاخص مورد مطالعه چرخ‌ساز هستند و از شن، ماسه و دانه‌های سفیدرنگ برای استحکام آن‌ها استفاده شده است. هم‌چنین حرارت لازم برای پخت این گونه‌های سفالی کامل بوده و دارای پخت کافی هستند. بدین دلیل این قطعات سفالی یک‌دست حرارت دیده و از استحکام بالایی برخوردار است.

### سفال‌های دهانه بسته

سفال‌های دهانه بسته، ۶۰ قطعه شاخص مورد مطالعه محوطه را شامل می‌شود. از این میان، ۳۹ قطعه لبه، ۱۲ قطعه کف و ۹ ظرف سالم سفالی وجود دارد. براساس فرم لبه‌های سفالی، ظروف دهانه بسته شهرتیه شامل: کوزه، خمره، تنگ، دیگ، آبریز و یک عدد ظرف معروف به میثاق است. **کوزه‌ها:** این فرم، رایج‌ترین فرم سفالی در مجموعه سفال‌های شهرتیه است. کوزه‌های شهرتیه از منظر فرم‌شناسی به دو نوع تقسیم می‌شوند: (۱) کوزه‌های بدون گردن، و (۲) کوزه‌های گردن دار. در مجموعه سفال‌های شهرتیه، ۱۸ فرم متفاوت کوزه بدون گردن شناسایی شده است (تصویر ۳). در این گونه سفالی، لبه ظرف بلافاصله به بدنه سفال متصل شده است. کوزه با لبه برگشته به خارج با یک برجستگی در زیر لبه از فرم‌های رایج کوزه‌های بدون گردن شهرتیه است. کوزه با لبه برگشته به داخل، دیگر فرم نسبتاً رایج کوزه‌های بدون گردن شهرتیه است. بخش زیرین لبه در این گروه از کوزه‌ها، نسبت به بخش فوقانی ضخامت بیشتری دارد. با ادامه انحنا قوس بدنه کوزه‌های بدون گردن، ارتفاع این ظروف احتمالاً بین ۱۴ تا ۳۶ سانتی متر است. تمام فرم‌های شاخص کوزه‌های بدون گردن شهرتیه، لبه هستند. این قطعات سفال دارای ضخامت متوسط بوده و رنگ خمیره آن‌ها نخودی، نارنجی روشن، نارنجی و قرمز است. بیرون این قطعات سفال، پوشش گلی به رنگ‌های نخودی روشن، نخودی، نخودی تیره، نارنجی روشن و نارنجی دیده می‌شود. این قطعات سفال چرخ‌ساز هستند و برای آمیزه آن از شن، ماسه و ذرات سفیدرنگ استفاده شده است. این گروه سفالی، همانند دیگر قطعات سفال محوطه دارای پخت کافی هستند. کوزه‌های بدون گردن به‌عنوان یکی از فرم‌های رایج سفال‌های شهرتیه، ۶۲٪ از کوزه‌های مورد مطالعه و ۲۰٪ از کل سفال‌های شاخص مجموعه را شامل می‌شود. نمونه کوزه‌های بدون گردن شهرتیه از محوطه‌های چارسدا (Wheeler, 1962: Fig 25, No. 178)، شمشیرغار (Dupree, 1958: Fig 30: b)، مرو (Усманова, 1963, Fig: 14, No: 19)، نسا (Invernizzi&Lippolis, 2008: fig 298, No 95)، دامغان (Trinkaus, 1981: fig. 33o, No: 2)، خورهه (رهبر، ۱۳۸۲: شکل ۹)، تل اسپید (Potts & Roustaiei, 2006: Fig 4.115:Ts71, ph.3) و بیستون (Kleiss, 1970: Fig. Abb.5: 1) گزارش شده است (جدول ۱).

کوزه گردن دار، دومین نوع از کوزه‌های شهرتیه است. از میان قطعه سفال‌های شهرتیه، ۹ قطعه کوزه گردن دار شناسایی گردیده است (تصویر ۴). به علاوه، در میان ظروف سالم محوطه، دو کوزه گردن دار نیز معرفی شده است (تصویر ۵). این کوزه‌ها و قطعات سفالی، دارای یک گردن معمولی

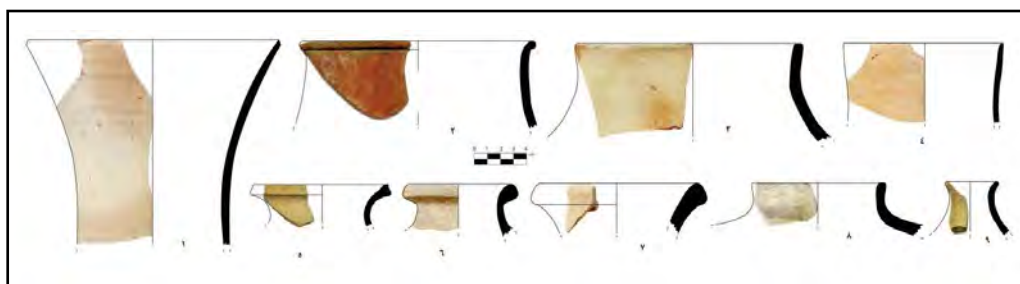


تصویر ۳. تصویر و طرح کوزه‌های بدون گردن شهرتیه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جدول ۱. جدول مشخصات کلی کوزه‌های بدون گردن شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig.296, No: 77; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig. 298, No: 95.
۲	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Kleiss, 1970: Fig, Abb.5: 1; Wheeler, 1962, Fig: 25, No. 178; Усманова, 1963: Fig, 42, No:10.
۳	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig. 297, No: 80; Dupree, 1958: Fig 38: k.
۴	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008, Fig: 299, No: 1; Wheeler, 1962: F. 27, No. 210; Усманова, 1963: Fig:23, No: 5; Trinkaus, 1981: 332, No:4.
۵	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig. 296, No: 77; Усманова, 1963: Fig, 13, No: 20.
۶	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه نرم، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig.296, No: 76; Potts & Roustaei, 2006: Fig 4. 115: Ts71, ph.3.
۷	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	۱ و ۲ م.	Усманова, 1963: Fig, 7, No: 4.
۸	لبه، متوسط، قرمز، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 296, No: 76.
۹	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 296, No: 75.
۱۰	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 296, No: 76.
۱۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Potts & Roustaei, 2006: Fig 4. 116: Ts79, ph.3; Усманова, 1963: Fig: 5, No: 7.
۱۲	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig296, No: 74.
۱۳	لبه، متوسط، قرمز، پوشش نخودی تیره، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Trinkaus, 1981: fig: 330, No: 2; Усманова, 1963: Fig: 13, No: 24; Dupree, 1958: Fig. 30: b
۱۴	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	اشکانی	رهبر، ۱۳۸۲: شکل ۴۵: استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹، تصویر ۲۵ Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 296, No:75 & 77.
۱۵	لبه، متوسط، قرمز، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۱ م.	Усманова, 1963: Fig: 14, No: 19.
۱۶	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۱ و ۲ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 27, No. 210; Trinkaus, 1981: 332, No: 4; Dupree, 1958: Fig 26: c.
۱۷	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	رهبر ۱۳۸۲: شکل ۹: Усманова, 1963: Fig: 14, No: 19
۱۸	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 25, No. 182.

یا کشیده در حدفاصل لبه و بدنه ظرف است. کوزه لبه برگشته به خارج رایج‌ترین فرم کوزه‌های گردن‌دار شهرتپه است. دیگر فرم موجود در این مجموعه، کوزه‌هایی با گردن عمودی و بدون انحنای بارز است که در انتها لبه گردن به بدنه اندکی انحنای می‌گیرد. براساس انحنای قطعات سفالی، ارتفاع کوزه‌های گردن‌دار شهرتپه بین ۴۳ تا ۱۲ سانتی‌متر بوده است. قطعات شاخص کوزه‌های گردن‌دار شهرتپه همگی لبه هستند. ضخامت این قطعات سفال ظریف تا متوسط بوده و



تصویر ۴. تصویر و طرح کوزه‌های گردن دار شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



تصویر ۵. تصویر و طرح دو کوزه گردن دار شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

رنگ خمیره آن‌ها نخودی، نارنجی روشن، نارنجی و قرمز است. بیرون این قطعات سفال پوشش گلی به رنگ‌های نخودی، نخودی روشن، نارنجی روشن، خاکستری مایل به سبز و قرمز است. همانند عموم قطعه سفال‌های شهرتپه، این قطعات سفال چرخ‌ساز است. از شن، ماسه و ذرات سفیدرنگ به عنوان آمیزه سفال استفاده شده است. تمامی سفال‌های این گروه دارای پخت کافی هستند. کوزه‌های گردن دار ۳۸٪ از کل کوزه‌های مورد مطالعه شهرتپه و بیش از ۱۲٪ از کل سفال‌های شاخص مورد مطالعه را شامل می‌شود. نمونه قابل مقایسه این کوزه‌ها، از چارسدا (Wheeler, 1962: F. 38, No 346)، مرو (Усманова, 1963: Fig. 14, No: 19)، نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig. 298, No: 91)، تپه‌یحیی (Karlovsky, 1970: Fig. 8. No:k)، تل‌اسپید (Potts & Roustaei, 2006: Fig. 4.117: ph2-ts. 40) و بیستون (علی بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۲، شماره ۲۰) گزارش شده است (جدول ۲ و ۳).

**خمیره‌ها:** خمیره یکی از فرم‌های سفالی مجموعه شهرتپه است. در مجموعه قطعات و ظروف سفالی شهرتپه، ۶ قطعه خمیره و یک خمیره سالم شناسایی شده است (تصاویر ۶ و ۷). خمیره‌های شهرتپه به نظر از دو الگوی کلی فرم‌شناسی پیروی کرده است. یک گروه از خمیره‌های شهرتپه دارای لبه به بیرون برگشته با یک برجستگی در حدفاصل لبه به بدنه خمیره است. گروه دیگر خمیره‌هایی هستند که لبه‌های آن‌ها به داخل برگشته و همانند گروه اول، سطح لبه به نسبت بدنه خمیره برجسته‌تر است. براساس انحنای باقی‌مانده قوس، قطعات خمیره شهرتپه احتمالاً بین ۲۷ تا ۴۶ سانتی متر ارتفاع دارند. خمیره سالم شهرتپه نیز ۲۸ سانتی متر ارتفاع دارد. این قطعات خمیره، همگی لبه‌های سفال هستند. قطعات خمیره شهرتپه دارای ضخامت خشن بوده و طیف رنگی خمیره آن‌ها نارنجی است. بدنه بیرونی این خمیره‌ها پوشش داشته و رنگ آن نخودی روشن، نخودی، قهوه‌ای مایل به نخودی و نارنجی است. خمیره‌های شهرتپه چرخ‌ساز بوده و دارای آمیزه شن و ماسه است.

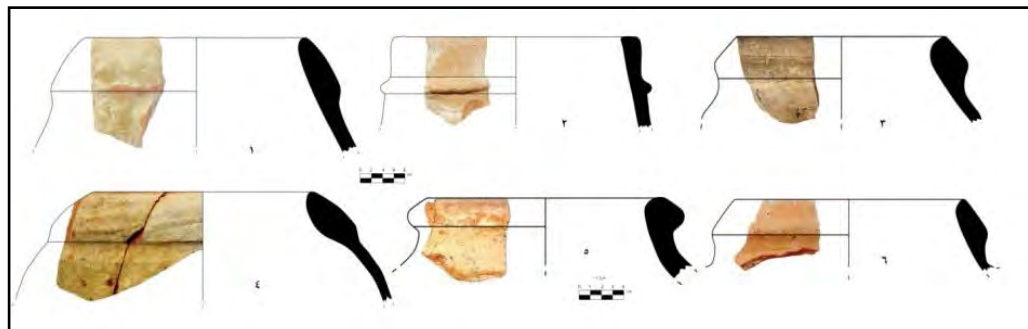


جدول ۲. جدول مشخصات کلی کوزه‌های گردن دار شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Karlovsky, 1970: fig 8. No: k; Усманова, 1963: Fig: 10, No: 10; Potts & Roustaei, 2006: Fig 4.117:ph2-ts. 40.
۲	لبه، متوسط، قرمز، پوشش قرمز، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۲، شماره ۲۰ Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 295, No: 55
۳	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig, 298 No: 91; Усманова, 1963: Fig: 10, No: 14.
۴	لبه، ظریف، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 295, No: 53.
۵	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 14, No: 19; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig: 296 No: 64.
۶	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 38, No 346; Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 296, No: 64.
۷	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 37, No 333; Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 294, No: 42; Herrmann et al., 2001: Fig, 18, No: 5.
۸	لبه، متوسط، نخودی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig298, No: 91.
۹	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 295, No: 57.

جدول ۳. جدول مشخصات کلی دو کوزه گردن دار شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر گردن	قطر بدنه	قطر کف
۱	کوزه	متوسط، نخودی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲۲ س.م.	؟	؟	۱۷ س.م.	۱۲ س.م.
۲	کوزه	متوسط، نارنجی، پوشش خاکستری مایل به سبز، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی، صیقلی	۵/۲۸ س.م.	۱۰ س.م.	۸.۵ س.م.	۱۴ س.م.	۸.۵ س.م.



تصویر ۶. تصویر و طرح خمه‌های شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

تمامی قطعات خمره شهرتیه دارای پخت کافی هستند. خمره‌های مورد مطالعه حدود ۸٪ از قطعه سفال‌های شاخص شهرتیه را شامل می‌شوند. نمونه چنین خمره‌هایی از محوطه‌های چارسدا (Wheeler, 1962: F. 43, No. 417 & F. 38, No. 347)، شمشیرغار (Dupree, 1958: Fig 38: k)، مرو (Усманова, 1963: Fig, 6, No: 5)، نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig. 299, No: 1)، دامغان (Trinkaus, 1981: 332, No: 4) و بیستون (Kleiss, 1970: Fig. Abb. 28, No: 10) گزارش شده است (جداول ۴ و ۵).



تصویر ۷. تصویر و طرح خمره به دست آمده از شهرتیه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

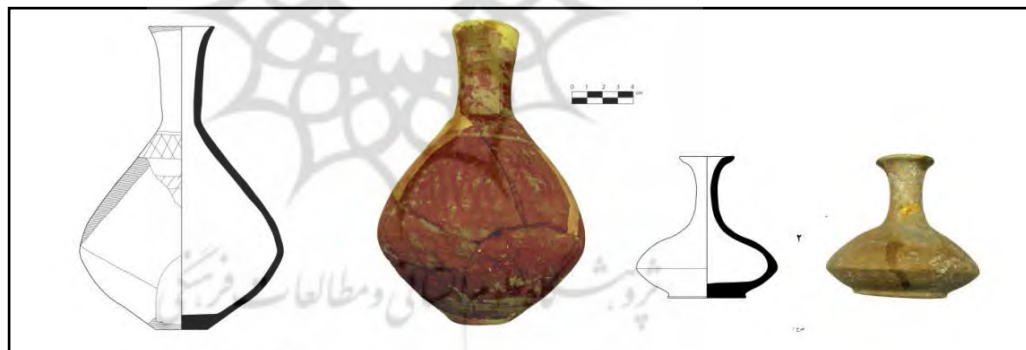
جدول ۴. جدول مشخصات کلی خمره‌های شهرتیه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	اشکانی	Dupree, 1958: Fig 38: k.
۲	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 43, No. 417 and F. 38, No. 347.
۳	لبه، خشن، نارنجی، پوشش قهوه‌ای مایل به نخودی، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Dupree, 1958: Fig 38: k; Усманова, 1963: Fig: 6, No: 5.
۴	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Dupree, 1958: Fig 38.
۴	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Dupree, 1958: Fig 38.
۵	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Kleiss, 1970: Abb.28, No: 10.
۶	لبه، خشن، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 299, No: 1; Wheeler, 1962: F. 27, No. 210; Усманова, 1963: Fig: 23, No: 5; Trinkaus, 1981: 332, No: 4.

جدول ۵. جدول مشخصات کلی خمره به دست آمده از شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر گردن	قطر بدنه	قطر کف
۱	خمره	خشن، نخودی مایل به نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲۸ س.م.	۱۱ س.م.	۹ س.م.	۱۶ س.م.	۸ س.م.

**تنگ‌ها:** تنگ‌ها از نظر فرم‌شناسی شبیه به کوزه‌ها هستند با این تفاوت که از کوزه‌ها کوچک‌تر بوده و فاقد دسته هستند. از مجموعه سفال‌های شهرتپه، دو ظرف سالم سفالی شناسایی شده که می‌توان با اطمینان آن‌ها را «تنگ» نامید (تصویر ۸). هر دو تنگ مورد مطالعه، گردن درازی دارند که به بدنه منحنی سفال متصل می‌شوند. بدنه تنگ‌ها از انحناهای زیادی برخوردار است؛ به نحوی که در مرکز بدنه حالت انحنای کامل و شکستگی گرفته‌اند. ارتفاع این تنگ‌ها بین ۲۳ تا ۱۲ سانتی‌متر است. تنگ‌های مورد مطالعه شهرتپه دارای ضخامت متوسط بوده و رنگ خمیره آن‌ها قرمز و نخودی است. بیرون این تنگ‌ها دارای پوشش قرمز و نخودی هستند. یکی از این تنگ‌ها دست‌ساز و دیگری چرخ‌ساز بوده و از ذرات شن و ماسه برای استحکام آن استفاده شده است. تنگ‌های شهرتپه بیش از ۲٪ از کل سفال‌های شاخص مورد مطالعه را شامل می‌شود. هر دو تنگ مورد مطالعه دارای پخت کافی هستند. روی یکی از این تنگ‌ها تزئینات داغ‌دار و کنده دیده می‌شود (جدول ۶). نمونه چنین تزئین‌هایی از شمشیرغار (Dupree, 1958: Fig. 24) و حوزة سیستان (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۳: شکل ۳ الی ۵؛ Dales, 1977: 17) گزارش شده است.



تصویر ۸. تصویر و طرح تنگ‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جدول ۶. جدول مشخصات کلی تنگ‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر گردن	قطر بدنه	قطر کف
۱	تنگ سفالی	متوسط، قرمز، پوشش قرمز، دست‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی، تزئین داغ‌دار و نقش‌کنده	۲۳ س.م.	۵/۵ س.م.	۶ س.م.	۱۵ س.م.	۴ س.م.
۲	تنگ سفالی	متوسط، نخودی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۱۲ س.م.	۴ س.م.	۴ س.م.	۸ س.م.	۵/۶ س.م.

**دیگ‌ها:** دیگ از دیگر گونه‌های سفالی موجود در مجموعه شهرتپه است (تصاویر ۹ و ۱۰). از منظر ریخت‌شناسی دیگ‌های شهرتپه به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند. اولین گروه که رایج‌ترین فرم دیگ‌های شهرتپه است، بدون گردن بوده و لبه ظرف به صورت تقریباً عمودی با یک انحنا



تصویر ۹. تصویر و طرح دیگ‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



تصویر ۱۰. تصویر و طرح دیگ‌های سالم سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ملایم به بدنه سفال متصل می‌شود. براساس نمونه کامل یافت شده از شهرتپه، این گروه از دیگ‌ها دارای یک شکستگی نسبی در مرکز بدنه هستند. دومین گروه، که تنها یک نمونه از آن در شهرتپه یافت شده است، گردن دار بوده و دارای یک انحنای ملایم در بدنه دیگ است. براساس انحنای قطعات دیگ‌های شهرتپه و نمونه‌های سالم سفالی، ارتفاع این دیگ‌ها بین ۲۴ تا ۳۲ سانتی‌متر است. دیگ‌های شهرتپه که هنوز می‌توان اثرات حرارت و دوده را در مغز و بدنه برخی از آن‌ها مشاهده کرد، دارای ضخامت متوسط بوده و رنگ خمیره آن‌ها نارنجی روشن و نارنجی است. به دلیل وجود دوده، پوشش برخی از این گروه سفالی به درستی قابل تشخیص نیست؛ با این حال براساس بقایای به‌جامانده، پوشش این گروه از سفال‌ها، نخودی روشن، نخودی و نارنجی است که در بیرون دیگ‌های شهرتپه دیده می‌شود. دیگ‌های شهرتپه چرخ‌ساز هستند و از آمیزه شن و ماسه برای استحکام آن‌ها استفاده شده است. این گروه از سفال‌های شهرتپه دارای پخت کافی هستند. آثار حرارت ناشی از پخت و پز، در مغز و بدنه این گروه سفالی قابل مشاهده است. دیگ‌های شهرتپه حدود ۸٪ از سفال‌های شاخص مجموعه را شامل می‌شود. نمونه این فرم از دیگ‌ها از چارسدا (Wheeler, 1962: F. 18, No. 79)، مرو (Усманова, 1963: Fig. 31, No: 17)، (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig. 296, No: 73)، تپه‌یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1970: fig 8. No: O)، گوری‌کهنه (Mehrafarin, 2011: Fig. 6, No. 15) سنگ‌شیر همدان (افشاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۹، طرح ۵ شکل ۴) و بیستون (Kleiss, 1970: Abb.26, No: 48) یافت شده است (جدول ۷ و ۸).

**آبریزها:** آبریز از دیگر فرم‌های موجود در مجموعه سفال‌های شهرتپه است. از این گروه سفالی، یک لوله آبریز و یک آبریز سالم سفالی به دست آمده است (تصویر ۱۱). قطعه لوله آبریز شهرتپه تقریباً مشابه لوله آبریز سالم محوطه است؛ با این حال، تفاوت‌هایی در طول و عرض دو لوله دیده می‌شود. به علاوه، محل اتصال لوله به بدنه در ظرف آبریز پوشیده شده است. هم‌چنین لوله ظرف آبریز دارای تزئینات افزوده دکمه‌ای است که در قطعه لوله آبریز دیده نمی‌شود. ارتفاع آبریز شهرتپه حدود ۵/۲۳ سانتی‌متر است. آبریزهای شهرتپه دارای ضخامت متوسط هستند و رنگ خمیره آن‌ها نارنجی و پوشش آن‌ها نخودی و نارنجی مایل به قرمز است. آبریزهای شهرتپه چرخ‌ساز بوده و از شن و ماسه برای استحکام آن‌ها استفاده شده است. پخت این‌گونه سفالی نیز کافی است (جدول ۹). از مجموعه سفال‌های شهرتپه، تنها دو آبریز یافت شده که بیش از ۲٪ از کل سفال‌های مورد



جدول ۷. جدول مشخصات کلی دیگ‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۴ تا ۱ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 31, No: 17; Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 292, No: 16; Wheeler, 1962: F. 18, No. 79.
۲	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۱ پ.م.	Усманова, 1963, Fig: 31, No: 17.
۳	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 296, No: 73.
۴	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	افشاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۹، طرح ۵، شکل ۴.
۵	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig. 6, No. 15; Wheeler, 1962: F. 18, No. 85- 86; Lamberg-Karlovsky, 1970: fig 8. No:o; Kleiss, 1970: Abb.26, No: 48.

جدول ۸. جدول مشخصات کلی دیگ‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر گردن	قطر بدنه	قطر کف
۱	دیگ	متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی؟، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲۴ س.م.	؟	۱۴ س.م.	۲۳ س.م.	۱۴ س.م.
۲	دیگ	متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی؟، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳۲ س.م.	۲۲	-	۲۴ س.م.	۱۱ س.م.



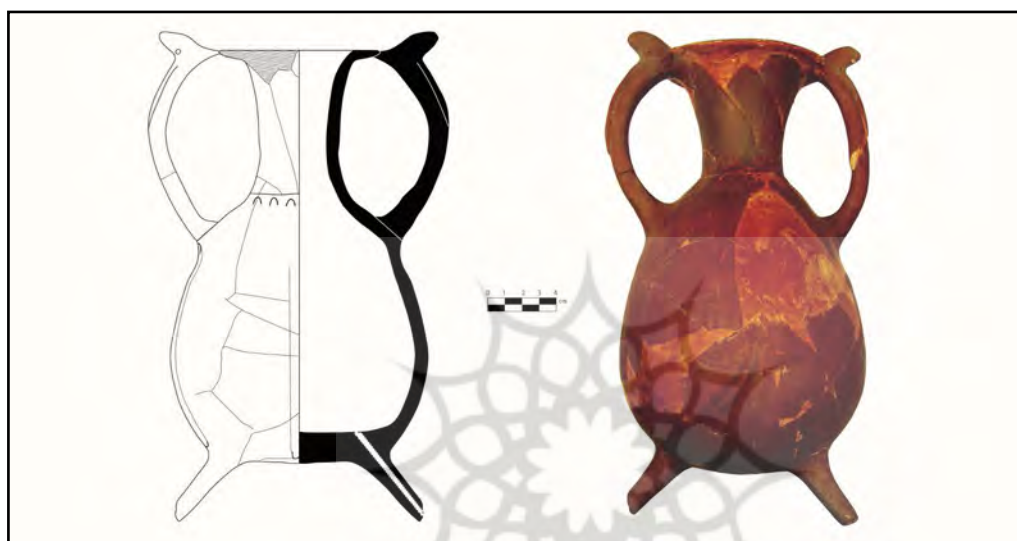
تصویر ۱۱. تصویر و طرح آبریزهای شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

مطالعه شهرتپه را شامل می‌شود. نمونه این آبریزها از محوطه حسنی محله (Sono & Fukai, 1968: Pl. XXXIV, 1; XLI, 2-3; LIX, 7-8) یافت شده است.

**ظرف میثاق:** ظرف معروف به میثاق، یکی دیگر از گونه‌های سفالی شهرتپه است. از این خانواده از ظروف، تنها یک ظرف سالم سفالی از شهرتپه یافت شده است (تصویر ۱۲). این ظرف که احتمالاً برای نوشیدن به صورت مشترک به کار رفته است، دارای سه پایه سوراخ‌دار برای عبور مایعات است. آن‌گونه که انتظار می‌رود فرم این ظرف مشابه کوزه‌های گردن‌دار است. در دو طرف گردن ظرف دو دسته وجود دارد که لبه ظرف را به بدنه سفال متصل کرده است. بخش فوقانی دسته، بالاتر از لبه قرار گرفته و به بیرون کشیده شده است. ارتفاع این ظرف سفالی ۲۶ سانتی‌متر است. ظرف میثاق شهرتپه دارای ضخامت متوسط بوده و خمیره آن قرمز رنگ است. پوشش گلی سفال قرمز مایل به سبز پررنگ بوده که در داخل و بیرون ظرف سفالی دیده می‌شود. ظرف مورد بحث چرخ‌ساز بوده

جدول ۹. جدول مشخصات کلی آبریزهای شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر بدنه	قطر کف
۱	آبریز	متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی. تزئین افزوده	۵/۲۳ س.م	۵/۸ س.م	۱۷ س.م	۱۳ س.م
۲	دسته آبریز	متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی مایل بهقرمز، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	-	-	-	-



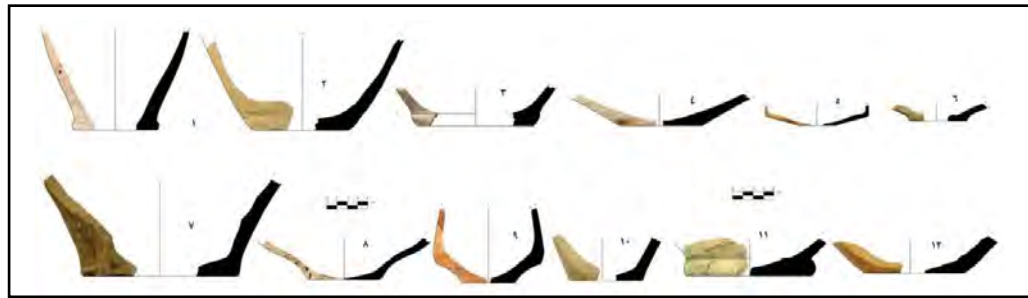
تصویر ۱۲. تصویر و طرح ظرف میثاق شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

و از ماسه برای آمیزه و استحکام آن استفاده شده است. همانند عموم سفال‌های شهرتپه، این ظرف سفالی نیز از حرارت کافی در پخت سفال برخوردار بوده است. از شهرتپه، تنها یک ظرف میثاق یافت شده که کمی بیش از یک درصد از سفال‌های شاخص مجموعه را شامل می‌شود (جدول ۱۰). نمونه این فرم از کاوش‌های قومس (Hansman & Stronach, 1974: Fig 5, No: 1) یافت شده است.

**کف‌ها:** برخلاف قطعات لبه، قطعات بدنه و کف را نمی‌توان با اطمینان به گروه خاصی از انواع ظروف سفالی منسوب کرد؛ لذا در تحقیق حاضر کف‌های شاخص محوطه در ذیل عنوان کلی‌تر سفال‌های دهانه‌بسته مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، با احتیاط می‌توان راجع به فرم احتمالی آن‌ها گمانه‌هایی نیز ارائه داد. آنچه مشخص است این‌که درون کف‌های مورد مطالعه شهرتپه صیقل نشده است که این مورد نشان می‌دهد این کف‌ها جزئی از گروه سفال‌های دهانه‌بسته محوطه هستند. کف‌های مورد مطالعه محوطه، در مجموع به سه دسته کلی تقسیم

جدول ۱۰. جدول مشخصات کلی ظرف میثاق شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	نوع	مشخصات کلی	ارتفاع	قطر دهانه	قطر گردن	قطر بدنه	قطر کف	ارتفاع پایه
۱	ظرف میثاق	متوسط، قرمز، پوشش قرمز مایل به سبز پورنگ در داخل و بیرون سفال، چرخ‌ساز، ماسه، پخت کافی	۲۶ س.م	۸ س.م	۵ س.م	۱۵ س.م	۱۲ س.م	۴ س.م



تصویر ۱۳. تصویر و طرحکف‌های سفالی شهرتیه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

می‌شود (تصویر ۱۳)؛ یک گروه از این کف‌ها، بدون انحنا و پایه کف بوده و کف سفال به صورت زاویه‌دار به بدنه متصل شده است. زاویه کف این دسته سفالی با یکدیگر متفاوت است. در دسته دیگری از کف‌های محوطه، در محل اتصال کف به بدنه، یک انحنا با زوایای متفاوت دیده می‌شود. این زاویه به همان شکل که از ابتدای بدنه شروع می‌شود در ادامه نیز دیده می‌شود. برخی از گونه‌های این دو فرم تاحدی قابل مقایسه با فرم کوزه‌های شهرتیه است. سومین و آخرین دسته از کف‌های مورد مطالعه همانند گروه دوم هستند، با این تفاوت که در بدنه سفال‌های این گروه، انحنای دیگری با زوایای متفاوت دیده می‌شود. فرم دسته اخیر تاحدی یادآور فرم دیگر سفالی شهرتیه است. براساس انحنای قطعات سفالی، کف‌های مورد بحث بخشی از ظروف سفالی هستند که بین ۲۱ تا ۳۹ سانتی‌متر ارتفاع دارند. ضخامت عموم سفال‌های این گروه متوسط است؛ با این حال، در میان آن‌ها سفال‌های خشن و ظریف نیز دیده می‌شود. خمیره این قطعات سفال، نخودی، نارنجی روشن و نارنجی است. پوشش این گروه به رنگ: سفالی، نخودی، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به نارنجی، نارنجی مایل به نخودی، نارنجی روشن و نارنجی است که در بیرون قطعات سفالی دیده می‌شود. تمامی کف‌های مورد مطالعه شهرتیه چرخ‌ساز بوده و از ذرات شن، ماسه و دانه‌های سفیدرنگ برای آمیزه آن‌ها استفاده شده است. تمامی قطعات سفال این مجموعه دارای پخت کافی هستند. کف‌های شاخص مورد بحث، ۱۲ قطعه هستند که در مجموع بیش از ۱۳٪ از کل سفال‌های شاخص مورد مطالعه شهرتیه را شامل می‌شوند. نمونه این فرم‌های کف از چارسدا (Wheeler, 1962: F 38, No. 358)، آی خانم (Bernard, 1967: Fig 7, No: 121)، مرو (Усманова, 1963: Fig 13, No: 24)، نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 297)، قلعه اژدهاک (قندگر و همکاران، ۱۳۸۳: طرح ۲۱۷ شکل ۵)، بیستون (Kleiss, 1970: No: 87)، گوری‌کهنه (Mehrafarin, 2011: Fig 6, No. 15) و جنوب بلوچستان (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: لوح ۱۰، طرح ۴۷) گزارش شده است (جدول ۱۱).

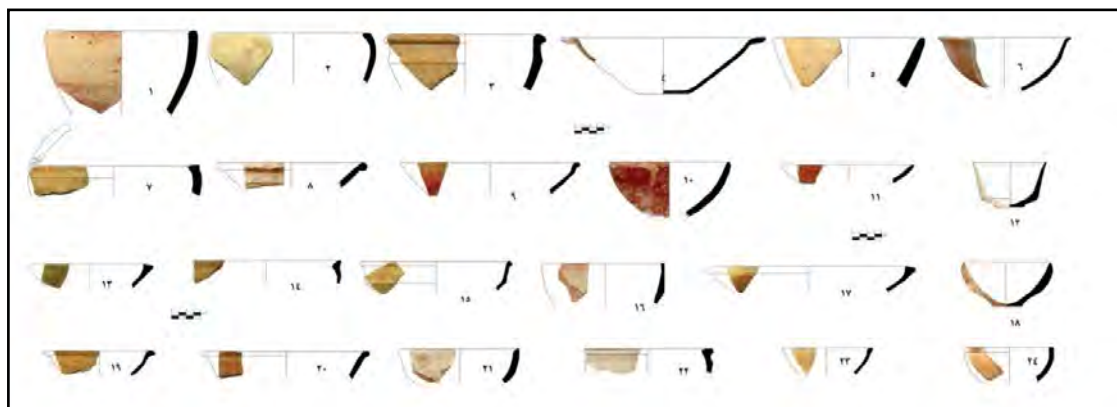
### سفال‌های دهانه‌باز

سفال‌های دهانه‌باز مورد مطالعه، ۲۹ قطعه از سفال‌های شاخص شهرتیه را تشکیل می‌دهد. براساس فرم لبه‌های سفالی، ظروف دهانه‌باز شهرتیه به دو دسته کلی کاسه و پیاله تقسیم می‌شوند.

**کاسه‌ها:** کاسه یکی از رایج‌ترین فرم‌های سفالی در مجموعه سفال‌های شاخص شهرتیه است. کاسه‌های شهرتیه از نظر فرم به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ (۱) کاسه‌هایی با لبه برگشته به خارج با بدنه کروی، و (۲) کاسه‌هایی با لبه گرد و بدنه کروی (تصویر ۱۴). کاسه‌های شهرتیه را هم‌چنین می‌توان بسته به اندازه کاسه‌ها به دو دسته جزئی‌تر قدح و کاسه تقسیم نمود. براساس انحنای قطعات سفالی، ارتفاع کاسه‌های شهرتیه بین ۱۶ تا ۲۸ سانتی‌متر است. قطعات شاخص

جدول ۱۱. جدول مشخصات کلی کف‌های سفالی شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شمارهٔ قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	اشکانی	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۷، شماره ۶۷ Усманова, 1963: Fig 13, No: 24.
۲	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig. 7, No. 21; Усманова, 1963: Fig: 5, No: 1 مهرآفرین، ۱۳۸۶: شکل ۲۲
۳	کف، متوسط، نخودی، پوشش نخودی چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Усманова, 1963: Fig 23, No: 55; Kleiss, 1970: Abb.26, No: 61
۴	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Wheeler, 1962, F. 38, No. 358.
۵	کف، ظریف، نارنجی، پوشش نارنجی روشن، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: fig 6, No. 15; Усманова, 1963: Fig 31, No 13.
۶	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	اشکانی	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۷، شماره ۶۹ و ۷۲.
۷	کف، خشن، نخودی، پوشش نخودی مایل به سبز، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 297, No: 87
۸	کف، متوسط، نارنجی روشن، پوشش نارنجی مایل به نخودی درون و بیرون ظرف، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Усманова, 1963: Fig: 5, No: 1 قندگر و همکاران، ۱۳۸۳: طرح ۲۱۷ شکل ۵: علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۷، شکل ۸۴.
۹	کف، متوسط، نخودی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: fig 6, No. 15; Усманова, 1963: Fig 31, No 13
۱۰	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نخودی مایل به نارنجی، چرخ‌ساز، شن و دانه سفیدرنگ، پخت کافی	اشکانی	مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: لوح ۱۰، طرح ۴۷
۱۱	کف، متوسط، نخودی، پوشش نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Bernard,1967: Fig: 7, No: 121; Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig 297, No: 86; Усманова, 1963: Fig: 40, No: 6, 8.
۱۲	کف، متوسط، نارنجی، پوشش نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 298, No: 98.

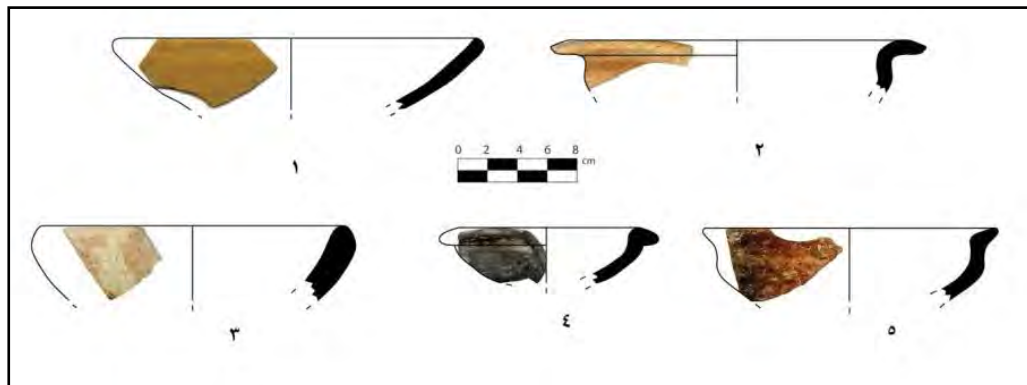


تصویر ۱۴. تصویر و طرح کاسه‌های شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).



سفال‌های این گروه همگی لبه هستند. ضخامت این قطعات سفال متوسط بوده و رنگ خمیره آن‌ها نخودی، آجری، نارنجی روشن، نارنجی و قرمز است. داخل و بیرون این قطعات سفال، پوشش گلی به رنگ‌های نخودی، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به نارنجی، آجری مایل به نخودی، نارنجی مایل به نخودی، نارنجی، نارنجی پررنگ، نارنجی مایل به قرمز و قرمز است. قطعات کاسه‌های شهرتپه همگی چرخ‌ساز هستند و از ذرات شن، ماسه و دانه‌های سفیدرنگ برای آمیزه آن‌ها استفاده شده است. هم‌چنین این گروه سفالی دارای پخت کافی هستند. از شهرتپه ۲۴ فرم کاسه شناسایی شده است که بیش از ۲۶٪ از کل سفال‌های شاخص مورد مطالعه محوطه را شامل می‌شود. نمونه قابل مقایسه این کاسه‌ها از چارسدا (Wheeler, 1962, F. 18, No.)، شمشیرغار (Dupree, 1958: Fig 51: m)، مرو (Usmanova, 1963: Fig. 23, No: 5)، نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig. 299, No: 1)، دامغان (Trinkaus, 1981: 332, N:)، تپه‌یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1970: fig 8)، گورستان بردسیر (خسروزاده، ۱۳۸۶: شکل ۲)، گوری‌کهنه (Mehrfarin, 2011: Fig. 7, No. 18)، تل‌اسپید (Potts & Roustaiei, 2006: Fig 4. 116: Ts79, ph. 3) سنگ‌شیر همدان (افشاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷، طرح ۲، شکل ۳) و بیستون (Kleiss, 1970: Abb. 26, No: 45) یافت شده است (جدول ۱۲).

**پیاله‌ها:** پیاله یکی دیگر از فرم‌های دهانه‌باز در مجموعه سفال‌های شاخص شهرتپه است. همانند کاسه‌ها، پیاله نیز به دو دسته کلی (۱) پیاله‌هایی با لبه برگشته به خارج با بدنه کروی و (۲) پیاله‌هایی با لبه گرد و بدنه کروی تقسیم می‌شوند (تصویر ۱۵). پیاله‌ها گونه‌های کوچک‌تر کاسه‌های سفالی هستند که ۵ نمونه از آن‌ها در مجموعه قطعات شاخص شهرتپه معرفی شده است. براساس انحنای قطعات سفالی، ارتفاع پیاله‌های شهرتپه بین ۵ تا ۹ سانتی‌متر است. قطعه سفال‌های این گروه همگی لبه و از نظر ضخامت متوسط هستند. رنگ خمیره این پیاله‌ها نارنجی، قرمز و خاکستری است و دارای پوشش نخودی، نارنجی، نارنجی مایل به قرمز، قرمز مایل به نارنجی و خاکستری در داخل و بیرون قطعات سفال است. این قطعات سفال همگی چرخ‌ساز بوده و از ذرات شن، ماسه و دانه‌های سفیدرنگ برای آمیزه آن‌ها استفاده شده است. این گروه سفالی به‌علاوه دارای پخت کافی هستند. پیاله‌های شهرتپه حدود ۶٪ از کل سفال‌های شاخص مورد مطالعه محوطه را شامل می‌شود. این پیاله‌ها با نمونه‌های شناسایی شده از چارسدا (Wheeler, 1962: F. 210, No. 27)، شمشیرغار (Dupree, 1958: Fig 32: g)، مرو (Usmanova, 1963: Fig. 23, No: 5)، نسا (Invernizzi & Lippolis, 2008: Fig. 299, No: 1)، دامغان (Trinkaus, 1981: 332, No: 4) و گوری‌کهنه (Mehrfarin, 2011: Fig. 6, No. 11 & 16) قابل مقایسه هستند (جدول ۱۳).



تصویر ۱۵. تصویر و طرح پیاله‌های شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

جدول ۱۲. جدول مشخصات کلی کاسه‌های شهرتیه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig 6, No. 15; Wheeler, 1962: F 18, No. 85- 86; Lamberg-Karlovsky, 1970: fig 8.
۲	لبه، متوسط، نخودی، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ الی ۱ پ.م.	Trinkaus, 1981: 332, N: 4; Усманова, 1963: Fig: 20, No: 32; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig: 299, No: 1.
۳	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی مایل به سبز، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 31, No: 13.
۴	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نارنجی پررنگ، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	اشکانی	روستایی، ۱۳۹۱: لوح ۶، شکل ۳۹، خسروزاده، ۱۳۸۶: شکل ۲.
۵	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نخودی مایل به نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 299, No: 1; Wheeler, 1962: F. 27, No. 210; Усманова, 1963: Fig: 23, No: 5.
۶	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون قرمز، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۱ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 20, No: 32.
۷	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی مایل به نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی، نقش کنده روی لبه	اشکانی	Wheeler, 1962: F. 22, No. 142; Mehrafarin, 2011: Fig 7, No. 18.
۸	لبه، متوسط، آجری، پوشش درون و بیرون آجری مایل به نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 42, No: 4; Kleiss, 1970: Abb26, No: 45; Wheeler, 1962: F. 47, No. 500.
۹	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون قرمز، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 23, No. 152; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 296, No: 74.
۱۰	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون قرمز، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 20, No: 32; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 299, No: 1; Wheeler, 1962: F. 27, No: 210.
۱۱	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون قرمز، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig292, No: 7.
۱۲	لبه، متوسط، آجری، پوشش درون و بیرون آجری مایل به نخودی، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	اشکانی	Potts & Roustaei, 2006: Fig 4.116:Ts79, ph.3; Usmanova, 1992: Fig: 2, No: 15 and 16.
۱۳	لبه، متوسط، نخودی، پوشش درون و بیرون نخودی مایل به سبز، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig. 11, No. 49.
۱۴	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 292, No: 8; Усманова, 1963: Fig: 31, No: 13
۱۵	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 31, No: 4; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig294, No: 22.
۱۶	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Усманова, 1963: Fig: 31, No:13.
۱۷	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Wheeler, 1962: F. 22, No. 142; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 292, No: 14.
۱۸	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Lamberg-Karlovsky, 1970: Fig: 8, No: Oprid: II
۱۹	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Dupree, 1958: Fig 51m.
۲۰	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی مایل به قرمز، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 295, No: 49.
۲۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	اشکانی	افشاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷، طرح ۲، شکل ۳.
۲۲	لبه، متوسط، نارنجی روشن، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig296, No: 74.
۲۳	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی مایل به نخودی، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig292, No: 8; Усманова, 1963: Fig: 31, No: 13.
۲۴	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون نخودی مایل به نارنجی، چرخ‌ساز، شن و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی	اشکانی	Hansman & Stronach, 1974: Fig: 29, No: 1; Усманова, 1963, Fig: 20, No: 23; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig294, No: 22.

جدول ۱۳. جدول مشخصات کلی کاسه‌های شهرتپه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	مشخصات کلی	گاه‌نگاری مقایسه‌ای	مقایسه
۱	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی، چرخ‌ساز، شن و دانه‌های سفیدرنگ، پخت کافی	۲ و ۳ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 299, No: 1; Wheeler, 1962: F. 27, No. 210.
۲	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نارنجی، مایل به قرمز، چرخ‌ساز، شن نرم، پخت کافی	اشکانی	Усманова, 1963: Fig 3, No: 2; Wheeler, 1962: F. 37, No: 333.
۳	لبه، متوسط، نارنجی، پوشش درون و بیرون نخودی، چرخ‌ساز، شن ریز، پخت کافی	۳ تا ۱ پ.م.	Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 299, No: 1; Усманова, 1963: Fig23, No: 5; Trinkaas, 1981: 332, No: 4.
۴	لبه، متوسط، خاکستری، پوشش درون و بیرون خاکستری، چرخ‌ساز، شن و ماسه، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig. 9, No. 35; Wheeler, 1962: F. 46, No. 447; Invernizzi&Lippolis, 2008: Fig 294, No: 36.
۵	لبه، متوسط، قرمز، پوشش درون و بیرون قرمز مایل به نارنجی، چرخ‌ساز، شن، پخت کافی	اشکانی	Mehrafarin, 2011: Fig. 6, No. 16and Fig. 11, No. 47; Dupree, 1958: Fig 32: g.

### بحث و تحلیل

در یک بررسی مقدماتی، سفال‌های مورد مطالعه از منظر گونه‌شناسی شامل قطعات: کوزه، خمره، تنگ، دیگ، آبریز، کاسه، پیاله و ظرف میثاق است که به دو گروه دهانه‌بسته و دهانه‌باز تقسیم می‌شوند. این گونه‌های سفالی همگی بدون لعاب بوده و تنها یک سفال منقوش در میان آن‌ها یافت شده است. بر این اساس، سفال ساده رایج‌ترین گونه سفالی شهرتپه است. بر روی این گونه‌های سفالی به ندرت تزئینات افزوده، کنده و برجسته دیده می‌شود. از منظر ضخامت، عموم سفال‌های شهرتپه دارای ضخامت متوسط هستند. خمیره گونه‌های سفالی نیز در طیف نخودی، نارنجی، قرمز و خاکستری است. گونه‌های سفالی شهرتپه، در یک استاندارد حرارت پخته شده و همگی دارای پخت کامل هستند. به علاوه، تمام گونه‌های سفالی مورد مطالعه چرخ‌ساز هستند و از شن و ماسه، و به ندرت همراه با ماده سفیدرنگ، به عنوان آمیزه سفال استفاده شده است. در عموم سفال‌های دهانه‌بسته، تنها بیرون گونه‌های سفالی پوشش گلی داده شده است، در برخی گونه‌ها نیز هر دو سطح داخل و بیرون سفال دارای پوشش گلی است.

قطعه سفال‌های شهرتپه با نمونه سفال‌های چارسدا، شمشیرغار، آی خانم، مرو، نسا، قومس، حسنی محله، تل اسپید، تپه یحیی، گوردستان بردسیر، گوری کهنه، نادعلی، جنوب بلوچستان، خورده، گوردستان سنگ شیر همدان، قلعه اژدهاک و بیستون قابل مقایسه است. به جز سه محوطه اخیر، محوطه‌های قابل مقایسه در نیمه شرقی امپراتوری اشکانی واقع شده است. از این میان، محوطه‌های واقع در شمال شرق ایران فرهنگی به دلیل فراوانی نمونه‌های قابل مقایسه و قرارگیری در بافتار جغرافیایی مشابه با شهرتپه از اهمیت بیشتری برخوردار است. نمونه‌های قابل مقایسه این محوطه‌ها مربوط به اوایل تا اواخر دوره اشکانی هستند. از مهم‌ترین محوطه‌های قابل مقایسه در این بافتار جغرافیایی می‌بایست به نسا، مرو و قومس اشاره کرد. عموم گونه‌های سفالی قابل مقایسه با این محوطه‌ها، مربوط به سده‌های متأخرتر دوره اشکانی است. گونه‌های سفالی شهرتپه در وهله بعد با آی خانم، شمشیرغار و چارسدا قابل مقایسه است که می‌بایست در بافتار سلوکی-اشکانی مطالعه شوند. این مورد وجهی دیگر از حیات شهرتپه در نخستین سده‌های شکل‌گیری حکومت اشکانی در ایران است. سفال‌های شهرتپه هم‌زمان دارای برخی وجوه اشتراک با قطعه سفال‌های تل اسپید، تپه یحیی، گوردستان بردسیر، گوری کهنه، نادعلی و گونه‌های سفالی جنوب بلوچستان است که می‌بایست در بافتار اوایل تا اواخر دوره اشکانی ارزیابی گردد. قطعه

سفال‌های محدودی نیز از شهرتپه یافت شده که می‌توان آن‌ها را با قطعه سفال‌های خورهه، سنگ شیر همدان، قلعه‌اژدهاک و بیستون مقایسه کرد که مربوط به ادوار متأخرتر تاریخ اشکانی است. با این مقدمه، سنت سفال شهرتپه را می‌توان بخشی از سنت جغرافیایی بزرگ‌تر شرق قلمرو اشکانی محسوب کرد. در بافتار جغرافیایی جزئی‌تر، گونه‌های سفالی شهرتپه در وهله اول بخشی از سنت سفال شمال شرق ایران در دوره اشکانی است که سه محوطه مهم نسا، مرو و قومس آن را نمایندگی می‌کنند. در وهله بعد، وجود گونه‌های قابل مقایسه با محوطه‌های آی خانم، شمشیرغار و چارسدا و در مرحله بعد گونه‌های سفالی قابل مقایسه با محوطه‌های شمال، جنوب، جنوب شرق، مرکز و غرب ایران. هم‌زمان، وجود گونه‌های سفالی داغ‌دارمربوط به قرون ۱ تا ۳ م. (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۸؛ مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱) معرف واردات سفال احتمالاً از جنوب شرق ایران به شهرتپه است. بخشی از این گونه‌های سفالی در محوطه تولید شده است. در دومین فصل کاوش شهرتپه در آن سوی باروی محوطه، قطعات فراوان جوش‌کوره به دست آمد (نامی، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۹۲). با توجه به شناسایی هم‌زمان شیشه‌های تغییرشکل داده و سرباره‌های ذوب فلز، این منطقه احتمالاً منطقه صنعتی محوطه بوده و برخی از قطعات سفال مورد استفاده، در محل تولید شده است. لازم به ذکر است به دلیل حجم محدود کاوش، هیچ سفال تغییرشکل داده‌ای یافت نشد تا بتوان با استناد به آن، راجع به گونه‌های تولیدشده در محل اظهارنظر نمود.

### نتیجه‌گیری

شهرتپه با قریب به ۷۰ هکتار وسعت، یکی از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی در شمال شرق ایران است. این محوطه، سکونت‌گاهی تک‌دوره‌ای است و از این منظر می‌توان راجع به تاریخ‌گذاری داده‌های باستان‌شناسی آن اظهارنظر نمود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی شهرتپه، قطعات و ظروف سفالی دوره اشکانی است. جدا از گونه‌شناسی و مشخصات فنی قطعات سفالی، سفال‌های اشکانی شهرتپه از منظر تاریخ‌گذاری، نمونه‌های قابل مقایسه و واردات و تولیدات محلی قابل ارزیابی است. گونه‌های سفالی شهرتپه در طیفی از اوایل تا اواخر دوره اشکانی قابل تاریخ‌گذاری است. مبنای این تاریخ‌گذاری، مطالعات مقایسه‌ای است. بر این اساس، گونه‌های سفالی شهرتپه اغلب با نمونه سفال‌های نیمه شرقی شاهنشاهی اشکانی قابل مقایسه است. سفال‌های اوایل دوره اشکانی شهرتپه اغلب با گونه‌های سفالی یافت‌شده از مرو، نسا و قومس قابل مقایسه است. برخی دیگر از این گونه‌های سفالی با قطعات سفالی چارسدا، شمشیرغار و آی خانم مقایسه می‌شود که در بستر سلوکی-اشکانی قابل طبقه‌بندی است. با این‌که شهرتپه در اوایل دوره اشکانی ساخته شده است، این محوطه تا اواخر دوره اشکانی حیات داشته است. وجود نمونه‌های قابل مقایسه با محوطه‌های اشکانی شمال، جنوب، جنوب شرق، مرکز و غرب شاهنشاهی از یک طرف و وجود گونه‌های سفالی وارداتی مربوط به ادوار متأخر تاریخ اشکانی از طرف دیگر، فرض ادامه حیات شهرتپه در سده‌های متأخر اشکانی را تقویت می‌کند. درمیان گونه‌های سفالی شهرتپه قطعه سفالی‌هایی یافت شده است که با سفال‌های تل‌اسپید، تپه‌یحیی، گورستان بردسیر، گوری‌کهنه، نادعلی، جنوب بلوچستان، خورهه، گورستان سنگ‌شیر، قلعه‌اژدهاک و بیستون قابل مقایسه است. گونه‌های سفالی شهرتپه از منظر وارداتی و تولید محلی بودن جداگانه قابل ارزیابی است. درمیان گونه‌های سفالی شهرتپه یک ظرف سفالی داغ‌دار مربوط به سده‌های ۱ تا ۳ م. کشف شده است. وجود گونه‌های سفالی داغ‌دار احتمالاً معرف واردات سفال از جنوب شرق به شهرتپه و شمال شرق در سده‌های متأخر اشکانی است. از طرف دیگر، شناسایی مقادیر فراوان جوش‌کوره در شهرتپه، نشان می‌دهد برخی از گونه‌های سفالی محوطه در محل تولید شده و مورد استفاده قرار گرفته است؛ هر چند به دلیل عدم کشف نمونه‌های تغییر شکل یافته، راجع به گونه‌های محلی آن‌ها نمی‌توان



اظهارنظر نمود. در مجموع، گونه‌های سفالی شهرتپه که اغلب با نمونه سفال‌های نیمه شرقی اشکانی قابل مقایسه است، از لحاظ محدوده زمانی، سده‌های نخست تا سده‌های متأخر اشکانی را دربر می‌گیرد. این گونه‌های سفالی که در میان آن‌ها سفال‌های وارداتی و تولیدات محلی نیز دیده می‌شود، نماینده برخی از گونه سفال‌های اشکانیان در شمال شرق ایران است.

### کتابنامه

- استروناخ، دیوید، (۱۳۷۸). گزارشی از کاوش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳. ترجمه حمید خطیب‌شهیدی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، معاونت حفظ و احیاء.
- افشاری، لیلان؛ و نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۳). «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره اشکانی گورستان سنگ شیر همدان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره چهارم، پاییز و زمستان، صص: ۱۳۲-۱۱۳.
- بختیاری‌شهری، محمود، (۱۳۷۵). «گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز، مرحله اول». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان بردسیر». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- داوری، محمدصادق؛ موسیوند، فاطمه؛ و باصفا، حسن، (۱۳۹۷). «تبیین شاخصه‌های سفالی اوایل دوره پارتی در حوضه کشف‌رود: براساس گونه‌شناسی سفال‌های تپه اسماعیل‌آباد مشهد». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص: ۷۵-۹۴.
- رهبر، مهدی، (۱۳۸۲). سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- روستایی، محمدصادق، (۱۳۹۱). «مطالعه نمونه‌های سفالین دوره اشکانی در سیستان ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- علی‌بیگی، سجاد، (۱۳۸۹). «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، صص: ۶۹-۴۰.
- فلاح‌مهنه، مهدی، (۱۳۹۴). «مطالعه و تحلیل باستان‌شناسی استقرارهای دوره اشکانی دشت درگز». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا (منتشر نشده).
- قندگر، جواد؛ اسماعیلی، حسین؛ و رحمت‌پور، محمد، (۱۳۸۳). «کاوش‌های باستان‌شناسی شمال غرب ایران». به‌کوشش: مسعود آذرنوش، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)
- کوثری، یحیی؛ و سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۴۵). «بررسی شمال شرق». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- لباف‌خانیکی، رجبعلی، (۱۳۸۷). «به یاد نگهبان، سهم دکتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان». باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۴۵، صص: ۹۹-۱۰۳.
- مهرآفرین، رضا، (۱۳۸۶). «حفاری و گمانه‌زنی تپه‌گوری سیستان». زاهدان: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- مهرآفرین، رضا؛ علیزاده، فاطمه؛ و شیرازی، روح‌الله، (۱۳۹۱). «سفال مکران در دوره اشکانی و

همگونی‌های آن با مناطق همجوار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳، دوره ۲، پاییز و زمستان. صص: ۲۴-۷.

- مهرآفرین، رضا؛ روستایی، محمدصادق؛ و علایی مقدم، جواد، (۱۳۹۳). «سفال داغ‌دار، سفال شاخص دوره اشکانی در سیستان ایران». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۶، دوره ۴، بهار و تابستان. صص: ۱۰۵-۱۲۰.

- نامی، حسن، (۱۳۹۵). «گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم شهرتپه چاپشلو». مشهد: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان رضوی (منتشر نشده).

- نامی، حسن؛ فیروزمندی، بهمن؛ و اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل، (۱۳۹۶). «تحلیل و گاه‌نگاری پیشنهادی شهرتپه چاپشلو در شهرستان درگز، شمال شرق ایران». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۳، دوره ۷، تابستان، صص: ۱۲۳-۱۴۲.

- Afshari, L. & Naghshineh. A., (2014). "Description, Classification and Analysis of Typology of the Parthian Period Pottery of Hamedan Sang-e Shir Cemetery". *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 7 (4), Autumn and Winter, Pp: 113-132, (In Persian).

- Alibaigi, S., (2010). "Resumption of archaeological excavations at the Parthian site of Behistun". *Modares Archeological Researches*, Second year, No. 3, Spring and Summer, Pp: 40-69, (In Persian).

- Bakhtiari Shahri, M., (1996). "Preliminary Report of the Survey and Identification of Antiquities in Dargaz County, the First Stage". Center for Archaeological Archives of the Iranian Center for Archaeological Research, (In Persian).

- Bernard, P., (1967). "Ai Khanum On The Oxus: A Hellenistic City in Central Asia". *Proceeding of the British Academy*, Vol LIII, Pp: 71-95.

- Dales, F., (1977). *New Excavations at Nad-Ali (SorkhDagh)*. Afghanistan, Research Monograph Series, Center for south and South-East Asia Studies, University of California.

- Davari, M. S. & Mousivand, F. & Basafa, H., (2018). "Explanation of Early Pottery Features in Kashafrud River Basin: Based on the typology of Potteries of Esmail-Abad site in Mashhad". *Journal of Archeological Studies*, No. 10 (1), Pp: 75-94, (In Persian).

- Dupree, L., (1958). "Shamshir Ghar: Historic Cave site in Kandahar province Afghaneistan". *Anthropological papers of the American Museum of Natural History*, Vol. 46, Part 1.

- FallahMehne, M., (2015). "Archaeological study and analysis of Parthian settlements in Dargaz Plain". PhD Diss., Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, (In Persian).

- Frankfort. H., (1927). *Studies in Early Pottery of the Near East. II. Asia, Europe and the Aegean, and their Earliest Interrelations*. Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland, Occasional Papers, London.

- Ghandgar, J. & Esmaeili, H. & Rahmatpour, M., (2004). "Archaeological

excavations in Northwestern Iran”. Edited by: Masoud Azarnoosh, Tehran: Ministry of Cultural Heritage and Tourism, Center for Archaeological Research, (In Persian).

- Haerinck, E., (1983). “La céramique en Iran pendant la période parthe (ca. 250 av. J. C. à ca. 225 après J. C.). Typologie, chronologie et distribution”. *Iranica Antiqua Supplément 2*, Ghent.
- Hansman, J. & Stronach, D., (1974). “Excavation at Shahri Qumis 1971”. *The Journal of the Royal Asiatic Society*, No. 106, Pp: 8-22.
- Herrmann, G.; Kurbansakhatov, K. & Simpson, S. J., (2001). “The International Merv Project Preliminary Report on the ninth Year (2000)”. *IRAN*, Vol. 39, Pp: 9-52.
- Invernizzi, A. & Lippolis, C., (2006). *NISA PARTICA, Ricerche Nel Complesso Monumentale Arsacide 1990- 2006*. Le lettere, Firenze.
- Kaim, B., (2008). “The Parthian Settlement in the Serakhs Ovasis”. *Parthica*, No. 10, Pp: 129- 134.
- Khosrowzadeh, A., (2007). “Archaeological Survey of Bardsir County: A Report”, Tehran: Center for Archaeological Archives, (In Persian).
- Kleiss, W., (1970). “Zur Topographic Des Partherlandes in Bisṭun”. *AMI*, n, f, 3. Pp: 133-168.
- Kohl, Ph. & Heskell, D. L., (1980). “Archaeological Reconnaissance in the Darreh Gaz Plain: A Short Report”. *IRAN*, Vol. 18, Pp: 160-172.
- Kosari, Y. & Sarfaraz, A., (1966). “Survey of North East”. Tehran: The Archives of the Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, (In Persian).
- Labaf Khaniki, R., (2008). “In memory of Neghaban, Dr. Neghaban’s contribution to the archeology of Khorasan”. *Iranian Journal of Archaeology and History*, No. 45. Pp: 99-103, (In Persian).
- Lamberg-Karlovski, C. C. L., (1970). *Excavations at Tepeyehya, Iran*. Bulletin of American School of prehistoric Research 27, Cambridge, M A: Peabody museum of Archaeology and Ethnology.
- Mehr Afarin, R., (2007). “Excavation and test-pitting in Goori Tepe, Siṣṭān”. Zahedan: The Archives of the Research Institute of Cultural Heritage and Tourism of Siṣṭān and Balochiṣṭān Province, (In Persian).
- Mehrafarin, R.; Musavi Haji, S. R. & Alifeyz, S., (2011). “A Study of the ceramics of East Iran During the Later Parthian Era with Special Reference to Tapa Gowri”. *Central Asiatic Journal International Periodical for the Languages, Literature, History and Archaeology of Central Asia*, No. 55 (2), Pp: 240–258.
- Mehr Afarin, R. & Alizadeh, F. and Shirazi, R., (2012). “Parthian Pottery of Mokran and its Similarity with Neighboring Regions”. *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 3 (2), Autumn & Winter, Pp: 7-24, (In Persian).
- Mehr Afarin, R. and Roustaie M.S. and Alaye Moghadam, J., (2014). “Burnished Ware, the Diagnostic Pottery of the Parthian Period of Siṣṭān, Iran”. *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 6 (4), Spring and Summer, Pp: 105-120, (In Persian).